

راز و رمز ملکه

اکران مستند راز و رمز ملکه از جمله مستندهای برگزیده جشنواره مردمی فیلم عمار که به بررسی زندگی ملکه انگلستان می پردازد، روز دو شنبه بیست و یکم اردیبهشت ساعت ۱۳:۳۰ در کلاس ۳۰۰ برگزار می شود.

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی(ره) تهران

تیتراهای روز

وزارت تناقضی

■ محب امین

به راستی ایران کشور عجیبی ست،اشتباه نکنید سخن از جذابیت های تاریخی وطبیعی نیست،صحبت از مدیریت سیاسی فرهنگ است،وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی که نامش برای مدیرانش باید رسالت وامانت به بار آورد این روزها که البته همچنین روزهای زیاد دیده باز هم خبر ساز شده ،علت نوشتن این سیاهه تناقضی در گفتار وکردار مدیران این وزارت است.از یک طرف همراه با نمایندگان مجلس از عدم اکران فیلم های حامی فتنه می گویند و داد می زنند که چرا اصلا باید به این فیلمها مجوز ساخت داد واز طرفی هنوز زمانی نگذشته که خبر اکران یکی از این فیلمها به گوش میرسد.حال چه جریان یا جریاناتی پشت این قضایا هست بماند ولی ای کاش مدیران فرهنگی (به هر قیمتی که شده این فیلم هارا اکران کنند) به جای اینکه فکر باز گرداندن خواننده ای که خود صدایش را برای مردمش تحریم کرده وثابت کرد که دل در گرو این نظام ندارد به فکر مذاقه در کلمه فرهنگ وارشاد می افتادند که به اینجا نرسند و جشنواره فیلمی را پشت سر بگذارند که اکثر فیلمها مخاطب را با یک جامعه سیاه و ناامید روبه رو می کند یا در مشهد پایتخت معنوی ایران با نمایش تئاتر ونمایشگاه پوستر قبح شکنی کنند، البته بر کسی هم

ادامه صفحه ۲

دنگ رسانه ها

از امام روح ا... به اساتید دانشگاه

(بازخوانی بخشی از پیام تاریخی امام خمینی بعد از قبولی قطعهنامه ۵۹۸ و سالگرد کشتارحجاج ایرانی در سال ۶۷، به مناسبت هفته معلم)

میادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش کنند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجچها بت تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم.

حنیفا

گاهنامه فرهنگی،علمی،سیاسی حنیفا صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات علامه طباطبایی مدیر مسئول:حسین کیانی طادی
سر دبیر: محمد حسین تیرآور
تحریریه: اکبر کشاورز، سید محسن امام، مرتضی طاهری،زقادری، ط.عطایی.
سید ناصری، س.تسلی بخش

basij.Journal@chmail.ir

basij-cs.blog.ir

شماره پیامک نشریه



سارا عرفانی مهمان دومین نشست کلبه کتاب فانوس

کلبه کتاب فانوس در دومین نشست دیدار با نویسندگان خود، به گفتگو با سارا عرفانی و نقد آخرین اثرش، یعنی پنجشنبه فیروزه ای خواهد پرداخت. این رمان در قالب سفری دانشجویی به مشهد مخاطب را با دغدغه هایی از جنس دانشجویان همراه میکند . این نشست در روز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت، ساعت ۱۴:۳۰ در سالن شهید ارشاد برگزار خواهد شد

شماره ششم ۱۹ اردیبهشت ۹۴ ۵۰۰ تومان

سرمقاله

یک سوراخ و سه گزش؟!

■ سعید ناصری

هضم فریب خوردن از دیپلماتها و کارشناسان برجسته شش کشور صاحب قدرت دنیا ، کار سختی نبود اگر که اعضای طرف ایرانی ، افرادی تازه کار و کم تجربه بودند یا اینکه حداقل خودشان و حامیان و مقامات ارشدتر آنها شخصا تجربه رودست خوردن از دست این قدرتها را نداشتند.

از جناب آیت ا... هاشمی رفسنجانی شروع می‌کنم که به نوعی پدر معنوی جریان فتح باب مذاکره بوده و هست. همین اخیرا رسانه ها نوشتند که:»

وساطت در آزاد کردن گروگانهای آمریکایی در لبنان در زمان بوشِ پدر چندین سال وقت ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی را به خود معطوف کرد. قرار بود در ازای تلاش ایران برای آزاد شدن آن گروگانها دارائی های بلوکه شده ایران آزاد شود. رهبری انقلاب به شدت با این رویکرد مخالف بود و پیش بینی می‌کردند که آمریکاییها قابل اعتماد نیستند واسطه این معامله بزرگ آقای جیاندمنیکو پیکو، نماینده سازمان ملل بود. پیکو در کتاب خود می نویسد که بعد از چند سال تلاش بی وقفه بعد از اینکه گروگانها آزاد شدند، بوش پدر گفت ما نمی توانیم دارائیهای ایران را آزاد کنیم! پیکو می‌گوید من عامل یک خیانت بزرگ شده بودم، وقتی خبر را به ایران بردم، هاشمی رفسنجانی در هم شکست و گفت هر چه زودتر ایران را ترک کن، قبل از اینکه اتفاقی برایت بیفتد. بنا به نوشته پیکو، هاشمی رفسنجانی اضافه می کند که من همه اعتبار و آبرویم را نزد نظام برای انجام این میانجیگری گرو گذاشتم.

به جناب حجه الاسلام روحانی ، ریاست محترم جمهوری و مقام ارشد این موضوع می رسم. یقینا هم ایشان و هم مردم بخاطر دارند که در دوره اصلاحات ایشان مذاکره کننده ارشد تیم ایرانی بود و در فضای گفتگوی تمدنهای دولت خاتمی ، داوطلبانه تعلیقی را پذیرفتند که قرار بود مابه ازایش تحریمهایی برداشته شود، سه ماه گذشت خبری نشد. شش ماه شد خبری نشد.نه ماه و یکسال و به همین شکل سال دوم تعلیق داوطلبانه ما وعده‌های طرف غربی خبری نشد. به ناچار رهبر معظم انقلاب شخصا وارد ماجرا شدند و دستور بازگشایی پلمپها را صادر فرمودند.

اگر این مدل بدقولی در سطوحی پایین تربرای یک فرد معمولی در جامعه رخ داده بود، آیا آن فرد برخوردها و تعاملات بعدیش را همچنان خوشبینانه و در همان سطح قبلی و بلکه بیشتر ادامه می داد؟! و نه برای کسی به گفته خودش اگر در هیچ چیزی تخصص نداشته باشد لاقفل در حوزه امنیتی متخصص است و حق هم همین است. واقعا چه کسی را با این سابقه طولانی و مثبت امنیتی مانند ایشان داریم؟و این البته به جای گره گشایی از ابهامات موجب افزودن تعجب ما می شود! نوبت را می دهیم به جناب ظریف ، مسئول مستقیم مذاکرات. ایشان باید چه چیزی را از طرف مقابل نشانه بدقولی ببینند و بدانند سنگین تر و بدتر از اینکه هنوز جوهر بیابیه کنند و نه برداشت هر چند واقعی و صحیح و منطقی ما. یک سوال: اگر آمریکاییها به واقع برنامه و پروژه ای را تعریف کرده بودند که بواسطه آن قرار بود خود را در نگاه سیاستمداران ایرانی ؛ کشوری کاملا غیرقابل اعتماد نشان می دادند، آیا چیزی بیشتر از این کارها امکان پذیر بود؟! ادامه صفحه ۲...



مصاحبه با عبد ا... گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان

حصر رسانه ای یک تخفیف مجازات قانونی است

حضورا این مسئله را با رهبری طرح کردند و ایشان هم به عنوان فقیه فرموده بودند که اگر اینها دادگاه بروند نتیجه آن چیزی نیست که شما دوست دارید.پس به صلاح این است که اینها با تخفیف مواجه شوند که تخفیف هم این است که حصر رسانه ای باشند این حصر رسانه ای هم به خاطر عوارضی که کار اینها دارد است چون مسئولیت‌پذیر نیستند و آن تلفات انسانی و مشکلاتی که برای کشور درست شد را اینها به بار آوردند و اسناد مدعاشان هم هست و سندی هم ارائه نکردند، به هر حال نظام چطور می‌تواند تحمل کند کسی با ۳۰۰هزار رأی بیاد برای امنیت ملی کشور مشکل درست کند طبیعتا نظام از خودش دفاع میکند و باید تصمیم بگیرد که یک مرجع صلاحیت‌دار این تصمیم را گرفته است و همه آنهایی که منتقد این تصمیم اند و در عین حال نمی‌گویند اینها بی گناه اند می‌گویند باید محاکمه شوند. می‌شود با یقین گفت بنابر تجربه تاریخی نتیجه محاکمه را نخواهند پذیرفت.

حنیفا: به عنوان سوال آخر در مورد دستور العملهایی که شورای عالی امنیت ملی می‌تواند بدهد و مصادیقی هم دارد،در این باره چه نکاتی وجود دارد؟

بله، شورای عالی امنیت ملی عالیت‌ترین مرجع است، الان اگر تصمیمی بگیرد همه رسانه های کشور با هر گرایش فکری و سلیقه ای باشند ملزم به رعایت اند، تصمیمات شورای عالی امنیت ملی معمولا خط قرمز است.. بنابراین وقتی که یک مجموعه فرا جناحی در تراز نظام، متشکل از مسئولیتها و تخصصهای مختلف امنیتی، حقوقی (ازجمله رئیس قوه قضایه، فرماندهان نیروهای مسلح، وزیر اطلاعات، وزیر کشور ،رئیس جمهور) اینها تصمیم می‌گیرند که یک فردی نباید امکان فعالیت رسانه ای داشته باشد چون

ادامه صفحه ۳..

که در این ۱۰-۱۵سال هرکسی که از آدمهای هم طیف آقایان موسوی وکروبی به دادگاه رفتند و محکوم شدند هیچ کدام از اینها را احکامشان را نپذیرفتند، بنابراین نتیجه دادگاه را نمی‌پذیرند، هرچه باشد مگر تبرئه. بنابراین از نظر آنها موضوعیتی ندارد،آنها اصلا به چارچوب های قانونی پایبند نیستند. احکام افرادی مثل عبدا... نوری، کرباسچی، و دیگران خصوصا کسانی که در فتنه ۸۸ بودند را قبول نکردند. بنابراین اینجا هم هر حکمی باشد،



قبول نمی‌کنند **حنیفا: یعنی این احتمال هست که آقای موسوی چند سال دیگر محکوم بشود؟** بله آن طور که آقای اژه ای به عنوان سخنگوی قوه قضاییه گفتند، محاکمه حتمی است منتها بحث زمان، دیگر تشخیص دستگاه قضای است. ممکن است در این شرایط شرایطی پیش بیاید که آنها توبه کنند و اصلا بگویند ما اشتباه کردیم یا مسیر دیگری را طی کنند که برای خودشان و نظام مشکلی درست نکنند، آن وقت میتواند متغیرهای دیگری مد نظر باشد. اما تقلیل آن حکم اعدام، به حبس دقیقا در راستای خدمت به اینها است. یعنی کسانی که منتقد هستند اینجا باید از نظام تشکر کنند. همانطور که می‌دانید آقای علی مطهری

وقتی به دادگاه وارد شد، قاضی گفت: اعدامش کنید، محاکمه لازم ندارد، اظهر من الشمس است که این جنایتها را کرده. نکته دوم این که حصر اینها مبتنی بر چه مرجعیت قانونی است؟می‌دانید شورای عالی امنیت ملی عالی ترین تشکیلاتی است در کشور ما که برای مسائل امنیتی کشورتصمیم می‌گیرد.میتواند تصمیمات بسیار کلان بگیرد، برای جنگ، برای صلح، برای تسلیح ،برای حمله به جایی، بنابراین وقتی احساس کند که امنیت کشور

عبدا... گنجی مدیر مسئول روزنامه جوان در گفتگو با حنیفا به بررسی ابعاد مختلف مسئله حصر پرداخت، این گفتگو به بسیاری از شبهات، در باب غیرقانونی بودن حصر پاسخ می دهد.

حنیفا: با توجه به بحث برانگیز بودن مسئله حصر سران فتنه، لطفا بفرمایید باید به چه دیدی به این مسئله نگاه کرد؟یک عمل سلیقه ای و غیر قانونی یا چیزی دیگر؟

در خصوص کاری که اینها کردند این بوده که به جمهوری اسلامی اتهامی را زدند که این نظام به تعبیر رهبری در مقابل چشم ملت های اسلامی با مشارکت۸۵درصدی نتوانست سرش را با بالا بگیرد، گفتند تقلب کردید و بعد هم هجده ماه، آزاد بوده اند و به تذکرات هم توجهی نکردند وسندی هم ارائه نکردند برای این تقلب. در جلسات مختلف، نمایندگان مختلف، وعده‌های مختلف، تلفنهای مختلف این کار را نکردند. این کاری که اینها به راه انداختند و با صراحت این انتخابات را خیمه شب بازی نامیدند؛ در این حوادثی که اتفاق افتاد، چیزی حدود ۴۵ نفر در ایران کشته شدند. بنابراین ببینید در خصوص جرم، یک

جرم بدیهی است، یعنی هیچ حقوقدانی نمی گوید که این بررسی بشود که جرم است یا نه. مثلی که معروف است موسولینی رهبر ایتالیا در جنگ جهانی دوم زمانی که وارد دادگاه شد، قاضی بدون جلسه، حکم اعدام صادر میکند چون جرمش بدیهی بوده؛ برسر بدیهی بودن جرم اتفاق نظر وجود دارد یعنی همانهایی هم که منتقد حصر هستند نمی گویند جرمی اتفاق نیفتاد. نسبت به جرمی که اتفاق افتاده دفاعی ندارند، این که می‌گویند قاضی باید رسیدگی کند این اصل بدیهی بودن جرم به صورتی است که می‌شود برایش حکم صادر کرد، حتی بدون محاکمه مثل محاکمه های صحرایی، وقتی که جرم بدیهی است و مثلش همان مثل موسولینی است که

سرمقاله

یک سوراخ و سه گزش

ادامه صفحه ۱

نکته بعدی

اینکه خلیه‌ها می گویند مذاکره یعنی گفتگو و ما هم عقل داریم و اگر دیدیم به ضررمان است توافق نمی کنیم. چیزی را از دست نداده ایم. متأسفانه باید گفت که تحلیلی بسیار ساده انگارانه است.البته برای طرف مقابل این حرف صحیح است و در صورت به توافق نرسیدن هم ، آنها نه تنها ضرری نکرده اند بلکه به جهات بسیاری منفعت کسب کرده اندبحث صدور انقلاب ایران بصورت نرم را امروز کمتر کسی در جهان و منطقه است که اذعان نداشته باشد. دل اکثریت مردم مظلوم منطقه و حتی بسیاری از تحصیل کرده‌های کشورهای عربی حتی خود عربستان به سبب پاک بودن فطرت قاطبه مردم و حق خواهی حکومت و مردم ایران با ماست. تنفر و بغض بعضا شدید حکام اکثرا دست نشاندۀ چیزی متفاوت و بعضا کاملاً مغایر با احساسات و تمایل مردم آنهاست. اساسا اولین پیامد صدور انقلاب به کشورهای پادشاهی و شیخ نشین ، سست شدن پایه های حکومت‌های آنهاست و تمایل مردم به دموکراسی خواهی و الگوگیری از یک جمهوری دینی و اسلامی.

مردم منطقه شاید در مواردی بیشتر از خودمان پیگیر اوضاع احوال ما هستند و این بر کسی پوشیده نیست. دل آزادیخواهان جهان با ماست. این نشستن بر سر میز مذاکره ، برای هر چیزی که باشد به مدد رسانه های قوی غرب و اذئاب عربیشان ، کوتاه آمدن از آرمانها و دست کشیدن از حمایت مظلومان و انقلابیون منطقه و جهان تغییر می شود و ما هم رسانه ای در آن سطح نداریم که واقعیت ها را آنگونه که هست بیان کنیم.این حداقل منفعت غرب از این مذاکرات است و شاید حتی بزرگترین منفعتش اگر که باور داریم که مسئله اصلی آمریکا با ما ، نه مسائل هسته ای و موشکی و اینها که البته اینها هم هست و جدی هم هست که همان الگو شدن این ملت برای کشورهای ظاهرا مستقل و در عمل مستعمره واقعی غرب است. وقتی توانستند تصاویری مخابره کنند که نشان دهد ایران با همه سرسختی و مقاومتش ، نهایتا مجبور به کنارآمدن و در واقع کوتاه آمدن و اطاعت از غرب شد همان کور سوی امید مردمان منطقه برای استقلال واقعی کشورشان هم به باد می رود.

یادداشت روز

وزارت تناقض

ادامه صفحه ۱

پوشیده نیست که عرصه حساس و مهم فرهنگ عرصه مظلومیت است و شاید به همین دلیل باشد که رخنه و تأثیر عناصری که دلسوز انقلاب انسان ساز اسلامی نیستند برایشان راحت باشد چرا که اصلا کسی به جزء دیدبان اصلی انقلاب حواسش به این وادی مهم نیست. نمایندگان که ظاهرا قول قطعی داده بودند که این فیلم‌ها اکران نخواهد شد ظاهرا این روزها در حال چانه زنی برای صلاحیت دائمی خود هستند، بقیه هم که فعلا در خواب خوش سود یا ضرر ببانیه لوزان مانده اند. به هر جهت ایران کشور عجیب است مدیران فرهنگی که خود برآمده از مکتب امام صادق علیه السلام هم هستند به دنبال شادی دل جماعتی می روند که همیشه چهره ای سیاه و فقیر نشان داده اند(بخش بین الملل جشنواره فیلم فجر...)، ایران کشور عجیبی است نه...؟



■ محمد حسین تیرآور

در ابتدا باید متذکر بشوم که این یاداشت یک یاداشت سیاسی نیست و قصدی جز تحلیل پیامد اجتماعی یک حرکت سیاسی در آن وجود ندارد. البته سیاسی نوشتن را فضیلتی نمیدانم، ولی قطعاً از سیاستزدگی دوری میکنم.

کاش بهار امسال مسائلی مهمتر از سرما قصد کوچ و سفر از این کشور را داشتند و مردمش را با دشمنهای خارجی تنها می‌گذاشتند، اما ظاهراً خیلی از چیز ها حذف شدنی نیستند و هنوز ثابت قدم ایستاده اند.

حمایت کردن های متعصبانه حذف شدنی نیست، پاسخ ندادن و سکوت کردن های لجوجانه حذف شدنی نیست، ایستادگی بر حرفهای غیرمنطقی و کورکورانه حذف شدنی نیست، و این روزها می‌شنویم «خاتمی حذف شدنی نیست».

« خاتمی حذف شدنی نیست» شعار صفحه سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران در شبکه اجتماعی اینستاگرام است؛ شعاری که با ارسال عکسهای مختلف توسط مردم در همین صفحه مدام انتشار میابد.

به این نکته کاری ندارم که اصلا ایشان در کدام میدان حضور داشته اند که حالا در حال حذف شدن هستند یا اینکه این حذف شدن هدایت شده است یا خیر، یا اینکه آیا حذف شدن صرفا یک شعار ژورنالیستی است؟ مایلم به مسئله مهمتری اشاره کنم. جدای از عکسهای شخصی سید محمد خاتمی در این صفحه، دیده می‌شود گاهی عکسهایی در حمایت از میرحسین موسوی(از جمله اصلی ترین محور فتنه سال ۸۸) انتشار داده می‌شود و مورد استقبال قرار می‌گیرد و محلی می‌شود برای بحثهای سیاسی.

■ ز. قادری

در گیر و دار مشکلات اقتصادی که امروز ذهن ما دانشجویان و خیلی از مردم کشور را به خود مشغول کرده، تشکیل گروهی دانشجویی که مورد استقبال واقع شده و ادعا می‌کنند که می‌خواهند قدمی در جهت رفع این مشکلات بردارند، توجه ما را به خودش جلب کرد.گروهی که قصد دارند با مطالبه گری از مسئولین، در جهت بهبود شرایط گام بردارند.در همین راستا به سراغ خانم کریمی دبیر گروه مطالبه گری و فعال فرهنگی در دانشگاه الزهرا رفتیم

حنیفا: مطالبه گری یعنی چه و اهمیتش در چه چیز میتواند باشد؟

مطالبه گری که مشخص است یعنی خواستن! اما مطالبه گری که ما مد نظرم‌ان است همان کاری است که حضرت آقا خصوصا از دانشجویان انتظار دارند، همان کاری که یکی از ثمرات و برکاتش میتواند ایجاد نشاط در فضای دانشگاه باشد ولی اصالت این کار برای رفع مشکلات کشور و هم برای حل معضلاتی است که مسئولین خیلی می‌توانند کمک کننده باشند. مطالبه هایی را که مردم از مسئولین دارند و حقوق مردم را که مسئولین باید انجام بدهند و شاهد تحول باشند و حتی بر عکس

ادامه صفحه ۱.مسولیت‌پذیر نیست و چون در چارچوب منطق وقانون عمل نمی کند، چون یک مرجع صلاحیت داری گفته و سلیقه یک فرد نیست، این در تراز تصمیمات قانونی است، تصمیمات شورای عالی امنیت ملی می‌تواند برای مجلس تصمیم بگیرد که جایگاه مردم سالاری است، میتواند بالاترین تصمیمیات

ساده لوحی است که اگر با دیدن اینگونه فعالیته‌ها صرفا به چشم یک ابراز علاقه به آن نگاه کنیم و بزرگترین آسیبش را غیرقانونی بودن آن بدانیم، و از پیامدهای خطرناک اجتماعی آن به سادگی گذر کنیم.

مهمترین پیامد یک ابراز علاقه و حمایت اینچنینی توسط محمد خاتمی چیست؟

بزرگترین نتیجه این گونه حرکات از نظر بنده، **عدم توجه به فضای کشور و ایجاد شکاف و دوقطبی کردن جامعه و از دست دادن سرمایه های اجتماعی است**، آن هم در سالی که به جای دغدغه‌های فرهنگی و اقتصادی، رسما سال همدلی

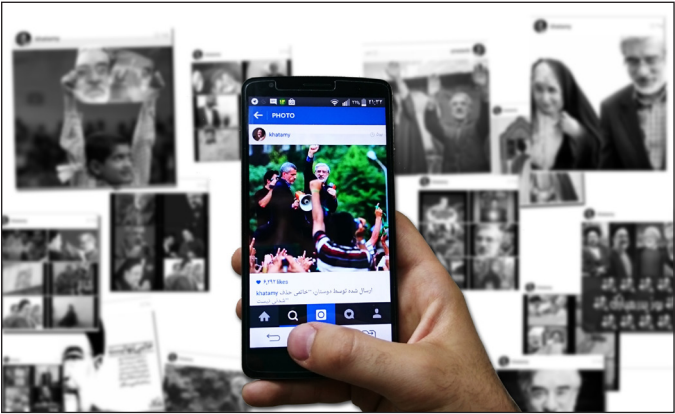
حنیفا

متنفر_بشو

سرمایه‌های انسانی آن است؟ یعنی دقیقا همان جایی که سید محمد خاتمی هدف قرار داده است.

محمد خاتمی به عنوان لیدر جریانی که چشمهای جماعتی را به دنبال خود دارد، با حمایتهای بی دلیل از فردی که به زعم بعضیها (که آقای خاتمی نیز جزء آن بعضیها هستند) حق قانونی اش توسط حکومت سلب شده است، بخشی از سرمایه اجتماعی این کشور را هدر می دهد و این حرف به هیچ وجه یک ادعا نیست.

باید یادآور شد که سید محمد خاتمی در اینجا مصداقی است از همه آنهايي که مانند او رفتار می کنند و عذاب فکری و روحی را به طرفداران خود



تحمیل می‌کنند.

آری، چه قدر سخت می‌شود تنفس در کشوری که میلیون‌ها رای مردمش را مستبدانه نادیده می‌گیرد و از تو تقاضای آینده سازی و تعهد دارا! اصلا احساس غرور برای پیروزیهای این کشور دیگر چه معنایی دارد؟ اصلا چرا نباید جوانان از شکستهای این نظام حق‌خور و مستبد شادمان باشند؟ با این اوصاف آیا دل‌ها و ذهنهای جوانان محلی است برای ساختن آینده، یا انبیری است برای انباشت هر روزه بغض بر روی بغض برای روز انتقام؟

مصاحبه با خانم کریمی دبیر گروه تازه تأسیس مطالبه گری

گناهان بزرگ اقتصادی نهی از منکر می‌خواهد

است .حضرت آقا تاکید ویژه ای روی بهبود عملکرد اقتصادی دارند و بر مبنای همین ۱۴ سال پیش فرمان ۸

بیباید “خدمت به مردم ” و “برافراشتن پرچم عدالت اسلامی” است. در واقع ما می‌خواهیم با این کار دانشجویان را وارد نهضت عدالت گستری کنیم. یکی از مشکلات بزرگ اقتصادی ما وجود مفاسدی است که ضربه های سنگینی را به اقتصاد کشور وارد میکند و البته یکی از محورهای مهم برای تحقق اقتصاد مقاومتی هم همین مبارزه با مفاسد اقتصادی است. از یک نگاه دیگر هم میشود به این مساله نگاه کرد و آن انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. خلیه‌ها این فریضه را برای یک سری از گناهها مثل حجاب و.. اعمال می‌کنند که خیلی هم مهم است اما این کافی نیست:برای گناههای بزرگتر و در سطح وسیع تر مثل مبارزه با مفاسد اقتصادی هم این کار از اوجب واجبات است؛یعنی در واقع ما نه از گناههای کوچک باید چشم پوشی کنیم و نه برای گناههای بزرگ.

حنیفا:خب شما وارد مرحله عملی هم شدید؟!

راستش مهمترین اقدام میتواند همان ایجاد فضای مطالبه‌گری در محیط

هایی مثل دانشگاه است. ان شاء... به زودی خیر های خوبی میرسد

مصاحبه با عبد ا... گنجی، مدیر مسئول روزنامه جوان

حصر رسانه ای یک تخفیف مجازات قانونی است

یعنی آخرین باری که اینها حصرشان شروع شد دو نفر در تهران کشته شدند که با بیانیه اینها به میدان آمده بودند. و معلوم هم نیست جریان ضد انقلاب می‌آید راهبرد کشته سازی روی دست نظام می‌گذارد. متأسفانه آقای موسوی

با یک مشی روشنفکرانه می آید تلویزیون،

با صراحت می‌گوید کسانی که در این کشور

آیا اینها به معنی از دست دادن بخشی از سرمایه انسانی کشور (ولو اندک) نیست؟؟

این تنگی نفس هدیه ایست از طرف سید محمد خاتمی و همه آنهايي که بی دلیل بر سر بی منطقی خود باقی مانده اند و به واسطه رهبر بودنشان عده زیادی را هم مایلند با خود همراه کنند و به جای تعهد، تخم کینه در دل‌های آنها بکارند.

برای بنده که بسیار سخت است زندگی در کشوری که حکومتش اندک احترامی به انتخاب مردمش نمی‌گذارد و با ادعای مردم سالاری و جمهوری، میلیون‌ها رای را جا به جا میکند. برای شما چه طور؟

اصلا می‌پذیریم که با وجود داشتن حس نفرت هم می‌توان متعهد بود و از پیروزیهای کشور به خود بالید، این فرض محال را می‌پذیریم؛ مشکل دیگر و بی جهت باید به خاطر بی منطقی امثال آقای خاتمی سال‌های سال با حس تنفر و کینه در این کشور نفس بکشند؟ این فشار روحی وارد شده را چه کسی باید پاسخ دهد؟

بیش از ۱۵۰۰ روز برای ارائه دلایل برای اثبات تقلب در ۸۸ کافی نبود؟

آقای خاتمی و هر آن کسی که به عنوان رهبر معتقدید در انتخابات ۸۸ تقلب شده است، آیا به پیامد این بی جوابی خود در جامعه فکر کرده اید؟

آقای روحانی، از شما خواهش دارم برای ایجاد هرچه بیشتر همدلی، به همان فردی که چند ساعت پس از اعلام پیرویشان در انتخابات مراتب تشکر‌تان را اعلام کردید، امروز تذکر بدهید.

اینها به موسوی و کروبی و کناره گیری از ایشان تا جایی ادامه داشت که افرادی از جمله آقای محمد خاتمی برای مصون ماندن از حواشی آن سال‌ها در محلهایی که حتی احتمال می دادند سران فتنه حاضر شوند نیز، حضور نمی یافتند. بازگشت خاتمی از جلوی درب تالاری که مراسم عروسی فرزند حجت الاسلام علیخانی (مشاور آقای رفسنجانی) در آن برگزار می شد و شخص کروبی در آن حضور داشت تنها نمونه‌ای بود که خبر آن به گوش همگان رسید.

حال، نکته قابل توجه در مسئله حصر سران فتنه و مطرح شدن آن پس از انتخابات سال ۹۲ اینجا است که چنین اقدامات رسانه

ای نیز برای پرداختن به این مسئله تنها جنبه دارد و با جرات می توان اذعان کرد

که تاکنون حتی یک حرکت جدی که نمایی عینی و ملموس داشته باشد در این راستا

دیده نشده است که از سوی دیگر این پیام را

در دل خود د داراست که سیاسی بازی اصلاح

طلبان و یا بهتر بگوییم تجدیدنظر طلبان در

انقلاب اسلامی سودشان در ماندن سران فتنه

در حصر است چرا که می‌توانند در محافلشان

ضمن عوام فریبیهای فیگور های اپوزوسیون

بگیرند.

با همه این تفاسیر عضو مجمع تشخیص

مصلحت نظام و دبیر وقت شورای عالی

امنیت ملی در زمان فتنه ۸۸ در زمان اوج

پروپاگاندای رسانه‌های اصلاح‌طلب در مسئله

حصر سران فتنه آب پاکی را بر روی دست

ایشان ریخت و چرایی حصر این افراد را

مطرح کرد.

دکتر سعید جلیلی با تأکید بر اینکه حصر

موسوی و کروبی به عنوان سران فتنه ربطی

به فتنه ۸۸ نداشت، اذعان کرده بود: حصر

سران فتنه ربطی به فتنه ۸۸ نداشت، فتنه از

۲۲ خرداد ۸۸ کلید خورد و تا ۲۲ بهمن ۸۸

ادامه داشت و نهایت بستر آن جمع شد، اما

این افراد از تاریخ ۲۵ بهمن ۸۹ به حصر رفته

و این علت دارد و علت حصر وقایع و فتنه ۸۸

نبود، دلیل اصلی حصر سران فتنه، کلید زدن

فتنه‌ای جدید در نظام اسلامی بود.

وی تاکید می‌کند: در آن شرایط شاهد بودیم

که بیداری اسلامی در کشورهای عربی شکل

گرفته بود، در تونس و مصر و دیگر کشورها و

آنچه سبب حصر سران فتنه شد این بود که

آنان در بیانیه‌ها و مبارزات خود به صراحت

اعلام می‌کردند که می‌خواهند انقلابی کنند

نظیر انقلاب تونس علیه بن‌علی و انقلاب در

مصر علیه مبارک و همین فتنه‌های جدید

سبب حصر آنان شد.

گفتنی است حامیان دانشگاهی و عوام‌زده

فتنه ۸۸ بهتر می‌دانند که سران فتنه هیچ

ارزشی بغیر از راه اندازی بازی های سیاسی

برایشان نداشته و تنها با این رویه دست به

عده گشاییهای بی سرانجام می‌زنند.

بازی با مسئله «حصر» سران فتنه

■ مرتضی طاهری



پس از حوادث رخ داده در پی انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، یکی از رویدادهایی که تاکنون تنها حواشی سیاسی و رسانه ای پراکنده داشته، حبس و حصر سران فتنه است.

حافظه تاریخی ما نشان میدهد که موسوی و کروبی طی همان ایامی که در کنار سایر مدعیان رهبری فتنه سبز؛ از مخملباف گرفته تا رضا پهلوی؛ شمشیر عناد با اسلام را از رو بسته بودند، توسط افرادی که امروز بعنوان کاسب سیاسی و مدعی غیر قانونی بودن حصر ظاهر میشوند، مورد انزجار و تنفر واقع میشوند.

مصادق بارز این امر زمانی است که موسوی بیانیه ای در خصوص عدم برگزاری تجمع در سالروز انتخابات در ۲۲ خرداد صادر می کند، سیل هجمه و توهینهایی مکرر به سمت وی در آن ایام نشان می داد که شخص موسوی بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری و رهبر فتنه سبز نیز زمانی مورد قبول است که در راستای اهداف و برنامه های دشمنان نظام اسلامی قدم بردارد.

رویه توهین به موسوی و کروبی و کناره گیری از ایشان تا جایی ادامه داشت که افرادی از جمله آقای محمد خاتمی برای مصون ماندن از حواشی آن سال‌ها در محلهایی که حتی احتمال می دادند سران فتنه حاضر شوند نیز، حضور نمی یافتند.

بازگشت خاتمی از جلوی درب تالاری که مراسم عروسی فرزند حجت الاسلام علیخانی (مشاور آقای رفسنجانی) در آن برگزار می شد و شخص کروبی در آن حضور داشت تنها نمونه‌ای بود که خبر آن به گوش همگان رسید.

حال، نکته قابل توجه در مسئله حصر سران فتنه و مطرح شدن آن پس از انتخابات سال ۹۲ اینجا است که چنین اقدامات رسانه

ای نیز برای پرداختن به این مسئله تنها جنبه دارد و با جرات می توان اذعان کرد

که تاکنون حتی یک حرکت جدی که نمایی عینی و ملموس داشته باشد در این راستا

دیده نشده است که از سوی دیگر این پیام را

در دل خود د داراست که سیاسی بازی اصلاح

طلبان و یا بهتر بگوییم تجدیدنظر طلبان در

انقلاب اسلامی سودشان در ماندن سران فتنه

در حصر است چرا که می‌توانند در محافلشان

ضمن عوام فریبیهای فیگور های اپوزوسیون

بگیرند.

با همه این تفاسیر عضو مجمع تشخیص

مصلحت نظام و دبیر وقت شورای عالی

امنیت ملی در زمان فتنه ۸۸ در زمان اوج

پروپاگاندای رسانه‌های اصلاح‌طلب در مسئله

حصر سران فتنه آب پاکی را بر روی دست

ایشان ریخت و چرایی حصر این افراد را

مطرح کرد.

دکتر سعید جلیلی با تأکید بر اینکه حصر

موسوی و کروبی به عنوان سران فتنه ربطی

به فتنه ۸۸ نداشت، اذعان کرده بود: حصر

سران فتنه ربطی به فتنه ۸۸ نداشت، فتنه از

۲۲ خرداد ۸۸ کلید خورد و تا ۲۲ بهمن ۸۸

ادامه داشت و نهایت بستر آن جمع شد، اما

این افراد از تاریخ ۲۵ بهمن ۸۹ به حصر رفته

و این علت دارد و علت حصر وقایع و فتنه ۸۸

نبود، دلیل اصلی حصر سران فتنه، کلید زدن

فتنه‌ای جدید در نظام اسلامی بود.

وی تاکید می‌کند: در آن شرایط شاهد بودیم

که بیداری اسلامی در کشورهای عربی شکل

گرفته بود، در تونس و مصر و دیگر کشورها و

آنچه سبب حصر سران فتنه شد این بود که

آنان در بیانیه‌ها و مبارزات خود به صراحت

اعلام می‌کردند که می‌خواهند انقلابی کنند

نظیر انقلاب تونس علیه بن‌علی و انقلاب در

مصر علیه مبارک و همین فتنه‌های جدید

سبب حصر آنان شد.

گفتنی است حامیان دانشگاهی و عوام‌زده

فتنه ۸۸ بهتر می‌دانند که سران فتنه هیچ

ارزشی بغیر از راه اندازی بازی های سیاسی

برایشان نداشته و تنها با این رویه دست به

عده گشاییهای بی سرانجام می‌زنند.